

## بررسی و واکاوی رویکرد پدیدارشناسی در حیطه فلسفه تعلیم و تربیت

فرزانه قاسمی<sup>۱</sup>، سونیا خدابخش کهرلایی<sup>۲</sup>

### بیان مسأله

رویکرد پدیدارشناسی<sup>۳</sup> تنها یک پارادایم فلسفی، یک نظریه، نقد یا نظام اندیشمندی صرف نیست. بلکه یک روش شناسی ممتاز برای بررسی جهان اجتماعی فراروی محققان علوم انسانی و اجتماعی است که متضمن جستجویی استعلایی برای دستیابی به درجات مختلف تجربه انسانی، ساختارهای تفکر و آگاهی است که از راه شهود می توان آنها را شناخت و باعث وحدت و همدلی معنایی در ذات پدیده ها و تفسیر آن از طریق تجربه ی زیسته ی روزمره گردید. اینک پدیدارشناسی چیست و برای انجام پژوهش پدیدارشناسی چه شرایطی را باید در حیطه فلسفه تعلیم و تربیت در نظر گرفت و واکاوی پدیدارشناسی در متن فلسفه تعلیم و تربیت معرفی خواهد شد، و در ادامه ؛ چگونه می توان معنای پدیدارشناسی را در تعلیم و تربیت بازنمایی کرد. اینها مسائل مهمی هستند که در انجام این پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت مطرح می باشند. در مقاله حاضر، پس از بررسی مسایل فوق ، نقش پدیدارشناسی با رویکرد روشی مطرح شده و واکاوی این رویکرد در متن فلسفه تعلیم و تربیت، بررسی خواهد شد.

### سوالات پژوهش

سئوال اصلی:

نقش رویکرد پدیدارشناسی به عنوان روش پژوهشی در فلسفه تعلیم و تربیت چه می باشد ؟

سئوالات فرعی:

f.ghasemi12803@yahoo.com

sonya\_corella@yahoo.com

<sup>3</sup>-Phenomenology

<sup>1</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه چمران اهواز

<sup>2</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد تهران



## سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

- 1) ویژگی‌های رویکرد پدیدارشناسی چیست؟
- 2) معنای پدیدارشناسی در متن تعلیم و تربیت چیست؟
- 3) واکاوی پدیدارشناسی در حیطه تعلیم و تربیت چگونه خواهد بود؟

### چهارچوب نظری

واژه پدیده<sup>1</sup> در فرهنگ وبستر به معنای "یک شیء یا جنبه و نمود شناخته شده که از طریق حواس بدست آمده نه از طریق تفکر". پدیده معمولاً با معنای "آنچه به وسیله تفکر دریافت می‌شود" در تقابل است. پدیده‌شناسی چیزی بیش از توصیف آن چیزی است که بر کسی ظاهر می‌شود (پرتوی، 1387). پدیده اشاره به چیز یا تجاربی دارد که بر انسان ظاهر شده و قادر به تجربه آن می‌باشد. به عبارت دیگر هر شیء، رویداد، تجربه و موقعیتی که بشر بتواند آن را ببیند، بشنود، لمس کند، بشناسد، بفهمد و یا در آن زندگی کند، می‌تواند موضوعی برای تحقیق پدیدارشناسانه باشد (سیمون، 1979: 158). هدف از توصیف در رویکرد پدیدارشناسی تنها تعریف پدیده نیست، بلکه رسیدن به زیربنای مفهومی است که منشاء پدیده را نشان می‌دهد. پدیدارشناسی دارای سویه‌های متفاوت مفهومی است که عبارتند از؛ پدیدارشناسی استعلایی هوسرل، پدیدارشناسی هرمنوتیکی ریکور، پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی هایدگر و مرلوپونتی است" (اسپیگلبرگ، 1982: 8).

### روش

روش‌شناسی کیفی یا به عبارت دیگر روش‌شناسی (های) غیراثبات‌گرا، تنها شیوه‌های عملی دستیابی به معرفت از جهان اجتماعی هستند (محمدپور، 1389، ص: 308). پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در بستر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و با رجوع به مدارک نوشتاری (کتاب، مقالات و ...) و غیر نوشتاری (پایگاه‌های اینترنتی و ...) موجود و در دسترس درباره موضوع بر اساس اهداف و سئوالات پژوهشی بهره گرفته است. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، فرم‌های فیش برداری بوده است.

<sup>1</sup> - phenomenon



## یافته‌ها

یافته‌های مربوط به سؤال اصلی پژوهش (نقش پدیدارشناسی در فلسفه تعلیم و تربیت) پدیدارشناسی به مثابه فلسفه و روش به توصیف منظمی از اراده و استعدادهاى خودآگاهی و به بررسی ماهیت یا ذات پدیده‌ها می‌پردازد (آندره، ترجمه نوالی، 1373). از این رو اصحاب مدرسه و حیطة تعلیم و تربیت را برآن می‌دارد تا فراگیر را با توجه به نیازها و مصالح فردی خود در نظر آورد و به بیان و ارائه روشهای متفاوت پژوهشی و یادگیری بپردازد و در پی آن افکار جدیدی را جایگزین روشهای سنتی کند.

یافته‌های مربوط به سؤال فرعی اول پژوهش (ویژگیهای پدیدارشناسی) نشان می‌دهد که پدیدارشناسی دانشی به مثابه روشی کیفی برای نقد نگرش‌های اجتماعی و توصیف ذات تجربه‌ها است که به شناخت متون در چرخه تأویلی می‌پردازد، که به نوعی همگام با روش علوم انسانی به تفسیر معانی در مقابل تبیین علم خواهد پرداخت. هدف آن بازنمایی و تولید جهان معنایی همراه با تجربه‌های کنشگران اجتماعی است و به منزله خصیصه التفاتی در درون یک بستر ذاتاً اجتماعی چشم انداز خواهد داشت.

پدیدارشناسی اپوخه را که به معنای خودداری از قضاوت، امتناع یا دوری از شیوه روزمره و عادی است، به دنیای تعلیق می‌کشانند و تفهیم را یک مسئله هستی‌شناسانه است نه معرفت‌شناسانه است بنیان و اساس هستی انسان در حیطة پدیدارشناسی در نظر می‌آورد (خاتمی، محمود، 1382).

یافته‌های مربوط به سؤال فرعی دوم پژوهش (معنای پدیدارشناسی) نشان می‌دهد، معنای رویکرد پدیدارشناسی در تعلیم و تربیت این است که فرد همیشه در حال تغییر و شدن است. به نحوی که وقتی شخص فکر می‌کند که خود را می‌شناسد، دقیقاً زمان شروع و حرکت برای بررسی درباره خودش است. از این جهت فرد فقط با تجربه زیسته خود و ادار به مسئولیت‌پذیری می‌شود و خود را در دنیای زندگی با این سؤالات مواجه می‌بیند "من چه کسی هستم؟"، "من به کجا می‌روم؟" و "چرا این‌جا هستم؟" که با توجه به شهود ناب و تمرکز بر تجربه بعنوان یک فراگیر بطور غیرمستقیم و خلاق به تفسیر افق‌های گوناگون می‌پردازد.



یافته‌های مربوط به سؤال فرعی سوم پژوهش (واکاوی پدیدارشناسی) نشان می‌دهد، پس از بررسی مبانی و پارادایم شناختی در حیطه روش پدیدارشناسی نوعی واکاوی در حیطه تعلیم و تربیت است که فراگیران را از جمود تاریخی و جزم اندیشی فرهنگی رها ساخته و به حذف سلسله مراتب اجتماعی پرداخته است. انسان در فرایند واکاوی به پالایش درونی می‌پردازد و اندیشه‌های متعارف خود را در تعلیق و پرناتز گذاشته و به تفسیر افق‌های تازه پرداخته، از این رو زبان را به عنوان مهمترین و کلیدی‌ترین ابزار تفهیم واقعیت‌های چندگانه پدیده‌ها در فرایند مشاهده، مصاحبه‌های عمیق فردی مبتنی بر روش کیفی به دنیای درونی سوژه‌ها وارد می‌کند (پرتویی، پروین، 1387). از این رو جهان و زبان از هم جدایی ناپذیرند. زبان به ما اجازه می‌دهد نه تنها یک تجربه‌ی خاص بلکه جهانی را نیز که در آن تجربه رخ می‌دهد، بفهمیم. معرفت به معنای انسانی آن باید از درون فرایند معنابخشی خود انسان دنبال شود. به چالش کشیدن مفروضات فلسفی، ماهیت یا ذات و "من" فرارونده یا استعلایی پدیدارشناسی در مسیر آگاهی قرار خواهد گرفت. پدیدارشناسی با توجه به رویکرد روایت‌گونه، داستان وار و توصیفی بودن آن چالشها و پیش‌فرضهای غیرمتعارفی را به دنبال دارد که بطور مسلم توصیفهای جدید و خلاقانه‌ای را در حیطه فلسفه بطور اعم و در فلسفه تعلیم و تربیت بطور اخص بوجود خواهد آورد.

### نتیجه‌گیری، بحث، پیشنهادات

هدف از پژوهش پدیدارشناسی تمرکز بر ذات‌ها و ماهیت آگاهی افراد (حیات ذهنی) به سمت تفهیم پدیده‌های اجتماعی مبتنی بر تجربه‌های دست‌اول یا تجربه زیسته متمرکز شده و از امکان ورود به لایه‌های معنایی تجربه‌های دست‌دوم و تولید معرفتی مخدوش و تحریف شده خودداری می‌نماید. روش پدیدارشناسی به ما کمک می‌کند به دنیایی که پیش از مفهوم‌سازی‌های ما وجود داشته است، دست‌یابیم و واقعیت را دوباره کشف کنیم. پدیدارشناسی با پذیرش غیرانفکاک بودن انسان و جهان توجه اصلی و مرکزی خود را معطوف به شناسایی روشی می‌نماید که انسان‌ها در ارتباط و تعامل با دنیای خاص زندگی خود دنبال می‌نمایند. زیست‌جهان شخصی هر فردی تواند در معرفت عمومی تجربه‌های روزمره شناخته‌شده این تایید، راهی برای



ملاحظه توصیف‌های مربوط به زیست جهان‌دیگران می‌گشاید. هرچند که بررسی‌ها نشان می‌دهند که گزارش‌های که دانش‌آموزان از زیست جهان‌خویش می‌دهند بسیار متغیر و موجزتر از آن است که الگوی کلی و روشنی از آن پدیدار شود. جدایی و انفکاک حسی و ادراکی مریبان از بسیاری از متغیرهای موجود در دنیای دانش‌آموز باعث شده که فعالیت‌هایشان در حوزه‌های پژوهش، تدریس و... به اقداماتی تصنعی، ساختگی و ظاهر فریب‌بدل شود (برقی، عیسی، 1389). فعالیت‌های تربیتی، باید براساس یافته‌های پژوهشی به گونه‌ای صورتبندی شوند، که مریبان و دست‌اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت را از درک و فهم روابط تربیتی محروم و منفک‌نمایند. راهبرد‌های پژوهش در حیطه فلسفه تعلیم و تربیت هنگامی پویاتر و انعطاف‌پذیرتر خواهند بود، که پژوهشگران این حیطه بتوانند از بررسی‌های کمی دوری نموده و به بررسی‌های کیفی و کارآمد بیش از پیش توجه کرده، و با دست‌یابی به روایت‌های توصیفی و گفتگویی؛ خلاقیت، انعطاف‌پذیری و چندصدایی بودن را در حیطه فلسفه تعلیم و تربیت آشکار سازند و دنیای تعلیم و تربیت را به دنیای واقعی و دست‌اول فراگیران نزدیک نمایند. در این پژوهش کیفی غایت‌نهایی این است که به چه‌سان می‌توان روش‌شناختی پدیدارشناسانه را با شرایط و روح فلسفه تعلیم و تربیت کهن‌مواره در جستجوی راهی برای ایجاد ادراک متعالی و آگاهی استعلایی<sup>1</sup> در مریبان و متریبان است، همراه نمود و به ایجاد و ترکیب رابطه دوسویه بین ذات‌ها و معانی پدیدارشناسی و فلسفه تعلیم و تربیت پرداخت. در این مقاله تلاش شده این رابطه را به چالشی تحلیلی کشانده و با پرورش حضور انتقادی عناصر تربیتی (اعم از معلم، فراگیران و اولیاء) به متن واقعی پژوهش پی‌ببریم و در این موشکافی تربیتی به دنبال ارائه راهکارهای نظری و سپس عملی در نظام تربیتی ایران باشیم.

<sup>1</sup> - transcendental



## منابع

- 1- برقی، عیسی (1389) "کاربرد دیدگاه پدیدارشناسانه ون منن در مطالعات برنامه درسی" فصلنامه راهبردهای آموزش، دوره 3، شماره 4، زمستان، صص 141-137.
- 2- پرتوی، پروین (1387). "پدیدارشناسی مکان" تهران انتشارات فرهنگستان هنر.
- 3- خاتمی، محمود (1382). "پدیدارشناسی دین" چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات.
- 4- دارتیگ، آندره (1373). "پدیدارشناسی چیست؟" ترجمه: نوالی، محمود. چاپ اول قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- 5- شورت، ادموند، سی (1388). "روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی" ترجمه: مهرمحمدی، محمود و همکاران، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- 6- عبدالرحمان نقیب، عبدالرحمان (1389). "روش‌شناسی تحقیق در تعلیم و تربیت رویکردی اسلامی" ترجمه: رفیعی، بهروز. چاپ دوم: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- 7- محمدپور، احمد (1389). "روش در روش درباره ساخت معرفت در علوم انسانی"، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- 8- Seamon, D. (1979). "A Geography of the Lifeworld", St. Martin's, New York.
- 9- Spiegelberg, H. (1982). "The Phenomenological Movement", Dorrecht, the Netherlands Martinus Nijhoff.
- 10- Stewart, D. Mukunas, A. (1990). "Exploring Phenomenology: A guide to the field and its literature", second edition. Athens, Ohio University Press, Ohio.